

به نام خرد

ریکی دروغ محض

سالهاست که ریکی را روشی برای درمان و شفای بیماریها و زندگی میدانند و حتی بعضی آن را یک شیوه ی زندگی می نامند. چیزی که جالب است این است که فرد تنها با دریافت همسویی میتواند خود و دیگران را شفا دهد. که برای دریافت این همسویی شاگردان باید پول بپردازند و تمرینات و سمبل هایی دارد که آنها هم به فروش میرسد. سالهای سال است که مدعیان درمان از این طریق یعنی ریکی، سر مردم را شیره مالیده و پول آن ها را به غارت می برند و در ازای آن هیچ چیزی به پرتوجو و یا کارآموز نمی آموزند. و ریکی به منبع درآمدی برای این افراد سودجو بدل شده است.

حتی آنهایی هم که ادعای آموزش ریکی و ارسال انرژی و همسویی رایگان را دارند نیز دروغ می گویند.

در ادامه برای شما شرح خواهم داد که چرا و چگونه انسان های دروغین توانسته اند روشی دروغین را پایه گذاری کنند.

نویسنده: استاد رها

گفته می شود ریکی به معنای انرژی کیهانی یا همان پرانا است.

مدعیان ریکی می گویند که فرد تنها باید ابتدا بتواند با استاد خود همسو شود و هم ارتعاش شود تا بتواند خود و دیگران را در مان کند این در حالی است که در تمام کائنات به مقدار فروانی انرژی و پرانا وجود دارد و خود فرد نیز از این نیروی حیاتی برخوردار و لبریز است. پس استاد باید بتواند بر نقطه ای از بدن تاثیر بگذارد که مرکز انرژی بدن است و از آنجا از بیرون دریافت و به جسم اتریکی و فیزیکی و بدن های دیگر منتقل شود.

در صورتی که در ریکی چه بصورت حضوری و چه غیر حضوری استاد تنها با انجام یک نیت ساده و تصور یک سمبل ریکی و به طور ذهنی و نه حتی انرژی این کار را انجام می دهد یعنی شاگرد را همسو می کند. این افراد اگر درکی از ماهیت انرژی داشتند به صورت ذهنی و تخیلی انرژی را منتقل نمی کردند.

حال آنکه میدانیم مرکز انرژی ناف است و نه ذهن یا مغز و هرآنچه که از ذهن به دست آید همه تخیل است و جز پوچی نیست. و همچنین میدانیم که مرکز اراده و سیستم خودشفادهی هوشمند همانا ناف است.

و همچنین باید دانست که برای انتقال انرژی به فردی دیگر و برای شفای دیگران باید روی مرکز قلب کار کرد و نه ذهن و نه حتی مرکز ساهاسرار.

برای کسانی که متوجه حرف ها نمی شوند کمی به عقب برمی گردیم می گویند میکا اوسویی بود که ریکی را کشف کرد حال میدانیم که او با روش های مختلفی همچون چی کونگ و تای چی انرژی چی را در خود فعال کند و تمام بدن خود را از آن سرشار کند. که این انرژی از مرکز ناف و از چاکرای هارا یا سوادهیستانا جریان می یابد.

او زمان زیادی را با بودائیان گذرانده و تمرینات زیادی را برای رسیدن به تعالی انجام داده است.

و حالا سوال اینجاست که چگونه فردی بدون انجام هیچ تمرینی می تواند با ذهنیت سابق خود انرژی را دریافت کند که او را به یک انرژی درمانگر یا به اصطلاح کارورز ریگی تبدیل کند؟

حال آنکه میدانیم انرژی حیاتی در همه جا هست و ما در آن غوطه وریم. چطور انسانی که همان ذهنیت را دارد و وضعیت مراکز بدنش یا همان چاکرا های بدنش مثل سابق است پس از دریافت همسویی فکر می کند که میتواند سرشار از انرژی شود؟

انسانی که سالها نسبت به انرژی پیرامون خود بسته بوده و حالا در یک دقیقه او با انرژی همسو میشود.

آنوقت همین افراد خود از بیماری رنج می برند و مدام در حال مریض شدن هستند چطور بعد از دریافت انرژی از تجربیات خود از انرژی حرف می زنند و ادعای درمانگری دارند؟

بسیاری پس از دریافت به اصطلاح همسویی هیچ احساسی در خود حس نمی کنند.

و چون پول داده اند مجبورند که بپذیرند که ریگی واقعا جواب می دهد. بسیاری از تجربیات خود هنگام دریافت همسویی حرف می زنند مثل احساس انرژی، گزگز شدن، گرم شدن بدن در نواحی چاکرا ها آنها هرگز آزمایش نکرده اند اگر همین حالا شما در یکی از حالت های مدیتیشن بنشینید و اصلا چهار زانو بنشیند با کمر راست یا خمیده یا دراز بکشید و ریلکس کنید و هیچ کاری نکنید، همه ی این احساس ها در شما برانگیخته می شود و اصلا نیازی به همسویی نیست.

حال برخی از خواب هایی که می بینند در حال همسویی می گویند باید دانست که وقتی شمادر حالت رهایی و ریلکس قرار می گیرید ذهن از حالت خودآگاه خود خارج شده و به سمت ناخودآگاه حرکت می کند جایی که همه ی تخیلات و رویا ها و خوابها از آنجا شکل می گیرد. عزیزی که به دنبال پیشرفت معنوی هستند باید بدانند که تخیل انرژی بسیار متفاوت است از لمس و احساس کردن انرژی و نیروی حیاتی

یک بار که شناخته شود دیگر نیاز به کاری نیست.
 نه همسویی دو ، نه همسویی سه، نه همسویی چهار و و نه هیچ چیز دیگری و تو استاد نیروی درونی خود و انرژی حیاتی خود می شوی و میتوانی از همه جا آن را کسب کنی و به همه جا آن را منتقل کنی.

و همچنین گفته می شود که استاد اوسویی شروع کرد به گرفتن ریاضتی بیست و یک روزه که منجر به دریافت شاکتی پات شد حال آنکه همه شاگردانش در بوق و کرنا کرده اند که او به اشراق رسید در صورتی که شاکتی پات در کالبد اول رخ می دهد یعنی در سطح جسمانی و اشراق در کالبد چهارم تا هفتم.
 انرژی حاصل از مدیتیشن را شاکتی پات می گویند میدانید که در هنگام مدیتیشن بدن انرژی تولید می کند و اگر کالبد های بدن آماده باشند تا کالبد سوم و بدن سوم این انرژی حرکت می کند.
 که کالبد سوم همان ناف است و به چاکرای ناف متصل است.
 که البته این شاکتی پات توسط استاد هم می تواند منتقل شود.
 که برای آن نیاز است که شاگرد پایین تر از استاد باشد به لحاظ معنوی و کاملاً آزاد و رها و بدون تنش باشد.
 که اگر انسان می توانست بدون تنش باشد اصلاً نیازی به استاد هم نمی بود بدن با خرد خود همه ی کار ها را انجام میداد.
 و همچنین انرژی که از استاد به شاگرد به عنوان شاکتی پات منتقل می شود حضوریست و تنها با لمس چشم سوم شاگرد به واسطه ی استاد صورت می پذیرد.
 نه از راه دور و انتقال همسویی به شاگرد و نه حتی از نزدیک و لمس چاکرای هفتم و چهارم و
 و استادی که این کار را می کند باید خود به اشراق یعنی سرحد کمال رسیده باشد.

پس هیچ کس نمیتواند شما را هم سو کند شما باید خودتان تلاش کنید تا کالبد سوم خود را کشف کنید تا بعد از درمان خود به وسیله خرد خود بدن بتوانید به دیگران نیز خدمت کنید.

و هیچ کس نمیداند که اوسویی برای همسو کردن شاگردان خود چه می کرده است تنها تعاریف و رسم و رسوماتی وجود داشته به نظر می رسد اوسویی میدانسته که هر کسی میتواند به دیگری و به خود بدون هیچ تمرین معنوی انرژی بدهد که این اصلا به ریکی و دریافت همسوئی ربطی ندارد بلکه بحث انرژی درمانی است. که می توان گفت انرژی درمانی واقعیت و حقیقت دارد. شما همین حالا می توانید با دستان خود به چیزی انرژی منتقل کنید و یا از چیزی انرژی دریافت کنید.

اما تمریناتی در این زمینه نیز وجود دارد که باید انجام شود. پس بدانید که هرگز یکشنبه و با دریافت همسوئی شما نه می توانید خود را درمان کنید و نه دیگران را.

و اگر کسی مدعی درمان شدن خود و یا دیگری به واسطه ی ریکی است باید بداند که این تلقین و تخیل او بوده که توانسته موجب درمان شود. قدرت تلقین بر هیچکسی پوشیده نیست و کاملاً ثابت شده است تا جایی که دانشمندان می گویند داروها تنها ده درصد بر بدن تاثیر دارند و نه نود درصد باقی مانده باور شماست که موجب درمان شما می شود.

همچنین میدانیم که صدر در صد بیماری ها ذهنی و براساس تخیل ما شکل گرفته همچنان که تخیل ما به زندگی ما شکل می دهد و دنیای ما و ذهنیت ما را می سازد.

پس گفتیم همسوئی از راه دور امکان پذیر نیست چرا که شما کاملاً بسته هستید و پر از تنش.

مثالی میزنم تا حالا دقت کرده اید در مقابل یک فرد غریبه چقدر بسته و گرفته و یا پر تنش می شوید اما آیا این اتفاق در خانه خودتان و با خانواده تان نیز می افتد و یا با دوستان بسیار صمیمیتان. قطعاً جواب منفی است.

پس شاگرد برای دریافت از استاد باید بتواند نسبت به او باز و تسلیم باشد و زمانی را با او گذرانده و مراودت و دوستی داشته باشد. و شرط لازم برای دریافت از استاد نیز تشخیص زمان مناسب توسط استاد است آن هم نه هر استادی بلکه استادی که به اشراق و عرفان حقیقی دست یافته باشد.

پس اوسویی می خواسته همان انرژی درمانی را به دیگران یاد بدهد اما برای معقول کردن مباحث انرژی درمانی سمبل ها و رسم و رسوماتی را اختراع کرده که برای دیگران در آن زمان معقول تر به نظر برسد. برای انسان امروز مایه ی خجالت است که توسط این افراد و با این شیوه ها مورد سو استفاده قرار گیرند.

میکا اوسویی ، استادی که برای خدمت به دیگران پول دریافت می کرد. و شاگردانش را نیز به گونه ای تربیت کرد که آن ها نیز پول دریافت می کردند.

البته دریافت پول در ازای ارائه خدمت به دیگران بسیار به جاست تا هم آن ها ارزش کار را بدانند و هم افراد احساس مدیون بودن نکنند. و هم خود استاد نیز بتواند خود را تامین کند.

ولی در صورتی که واقعا خدمتی ارائه شود. و نه دروغی که سر انسان ها را با کلاه گذاری و کلاهبرداری گرم کند.

تمام این روش بر پایه ی دریافت همسویی و انتقال انرژی به دیگران است. و همه ی کتاب هایی که تا کنون راجع به آن نوشته شده تنها پرحرفی و حرف های وسوسه برانگیزی است که برای شست و شوی ذهنی رهرو و یا افراد علاقه مند نوشته شده است.

و من به شما می گویم که شما بدون دریافت همسویی هم میتوانید به دیگران انرژی منتقل کنید بدون اینکه انرژی خود را ازدست دهید.
و بدون اینکه خود را گول بزنید.

و اگر ریکی یعنی تبدیل شدن برای انتقال انرژی و کانال انرژی شدن پس در انرژی درمانی چه اتفاقی می افتد آیا آن نیز یک روش انتقال انرژی توسط فرد نیست.

و تنها تفاوت این است که ریکی دروغ محض است که از انرژی درمانگری وام گرفته شده است و انرژی درمانی حقیقی است.

من خود به خاطر دارم که درست هنگامی که مریض بودم چطور پول بی زبان را به جیب این افراد می ریختم.
البته ناراحت هم نیستم چون مرا در مسیری گذاشت که این مسیر مرا به انرژی درمانی رساند.

همین طور در ادامه مسیر خود توانستم تله پاتی و هاله بینی و تله کینزی را بیاموزم.

و کلید طلایی چیزی را که امروزه قانون جذب مینامندش کشف کنم و توانستم هیپنوتیزم و خودهیپنوتیزم و هیپنوتراپی را بیاموزم.
و همچنین راه های افزایش کارآیی مغز و توانایی های دیگر که به طور طبیعی در وجود هر انسانی نهفته است.

همچنین بیماران بسیاری را توانسته ام درمان کنم که دچار بیماری های روانی و فیزیکی بوده اند که کم کم تجربیات این بیماران را در وبلاگ خود اضافه می کنم.

خیلی دوست میداشتم می توانستم همه ی این امور بالا را در قالب یک کتاب به شما ارائه کنم و بیاموزم.

ولی برای آموختن موارد بالا به ویژه انرژی درمانی و نیرو های روانی نیاز به مشاوره و همراهی یک استاد دارید.

من استاد رها حاضرم همه ی موارد بالا را به ویژه انرژی درمانی را و همه ی مواردی که در وبلاگ به آن ها اشاره کرده ام به همه ی مردم عزیز بدون دریافت هیچ پولی و تنها از طریق ایمیل بیاموزم. برای آموزش و یادگیری رایگان و مشاوره رایگان روانشناسی و قانون جذب لطفا با ایمیل زیر با من در ارتباط باشید:

mastermindraha@gmail.com

همه چیز به تو بستگی دارد ای عزیز

اگر می خواهی دنیای خودت را تغییر دهی

این راهیست که جلوی پای تو می گذارم.

astrialmind.rozblog.com

